

# بررسی جایگاه آموزش عالی آزاد در دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری \*

نویسنده: احمد رضا روشن

(عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزش عالی) \*\*

## چکیده

مقاله حاضر حاصل پژوهشی است که توسط مؤلف درباره آموزش‌های عالی آزاد و جایگاه آن در نظام آموزش عالی زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است. یافته‌های این پژوهش که براساس پرسشنامه‌های تکمیل شده به دست آمده‌اند، نشان می‌دهند که عملکرد دانشگاه‌های کشور در طراحی و ارائه آموزش عالی آزاد، ضعیف بوده است به گونه‌ای که گویی چیزی به نام آموزش عالی آزاد در دانشگاه‌های سراسری وجود ندارد. در بررسی این عملکرد ضعیف، به عوامل متعددی می‌توان اشاره کرد. اما مهمترین عاملی که این پژوهش به آن دست یافته است مستقل نبودن دانشگاه‌ها از نظر مالی و عدم تعیین سیاست‌گذاری کلی دانشگاه‌هاست. از این رو، مؤسسات آموزش عالی انگیزه‌ای برای گسترش حوزه فعالیت نداشته‌اند و به گذران امور، طبق روال گذشته، ادامه داده‌اند. مقاله، در پایان، پیشنهادهایی چند برای احیای آموزش عالی آزاد ارائه داده است.

کلید واژگان: آموزش عالی آزاد، دانشگاه‌های ایران، آموزش‌های رسمی و غیررسمی.

\* این مقاله، در شورای هیأت تحریریه این فصلنامه، «علمی - ترویجی» ارزیابی شده است. - دفتر فصلنامه.

\*\* پست الکترونیکی: a\_rowshan@yahoo.com

## مقدمه

دانش به طور روزافزونی اقتصاد و تحولات جهانی را تحت سیطره خود قرار می‌دهد و نهایتاً مهمترین و تنها ماده خامی است که می‌توان آن را پیوسته بارور و غنی ساخت؛ به همین خاطر، دانشگاه به عنوان محور تولید دانش، همواره اهمیت خود را حفظ خواهد کرد. آموزشهای عالی آزاد به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با واقعیت و تجربه برقرار می‌کند می‌تواند کاراتر از آموزشهای رسمی عمل نماید و بیشتر به رشد فناوری و بارور شدن علم کمک کند و نوآوری و پویایی آموزش عالی را افزایش دهد [۱].

از میان رسالتهایی که برای آموزش عالی در نظر گرفته می‌شوند بالابردن سطح مهارتهای کاربردی افراد جامعه و تأمین نیروی انسانی متخصص، برجسته‌تر از بقیه رسالتهای دانشگاه به نظر می‌رسد. این بالابردن سطح مهارتها هم می‌تواند از طریق آموزشهای رسمی - که با دروس مصوب تدریس می‌شود - و هم از طریق آموزشهای غیررسمی باشد. از طرف دیگر، فشار بودجه دولتها برای تأمین هزینه‌های گرانبه‌ای آموزش عالی باعث شده است که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در پی یافتن راه‌های جدیدی برای تأمین منابع مالی خود باشند. آموزش‌های آزاد، در هر دو زمینه فوق، می‌توانند مؤثر باشد. این آموزشها، به صورت بالقوه، نقش بسزایی در بالابردن سطح کیفیت نیروی انسانی متخصص و، در نتیجه، افزایش سرمایه انسانی کشور دارد و فارغ از مسایل مربوط به مدرک‌گرایی، سطح تواناییها و مهارتهای افراد را به صورت واقعی افزایش می‌دهد.

## ۱- چرا آموزش عالی آزاد مهم است؟

الف - آموزش عالی آزاد؛ مکمل آموزش رسمی : یادگیری اساس پیشرفت بشر است. انسان با یادگیری به تراکم تجارب خود می‌پردازد و از آنجا خلاقیت و نوآوری زاده می‌شود. می‌توان گفت که با پیدایش انسان بر روی این کره خاکی، یادگیری نیز پدیده آمده است. اما یادگیری، خود، نتیجه آموزش است. به طور کلی، در عصر حاضر، می‌توان سه نوع آموزش را از هم تمیز داد: ۱- آموزش رسمی<sup>۱</sup> : این آموزش در مدرسه یا دانشگاه و با برنامه‌های مدون و از پیش طراحی شده توسط مقامات رسمی و دولتی، صورت می‌گیرد و به اخذ مدرک رسمی (سیکل، دیپلم، فوق دیپلم و ...) می‌انجامد. ۲- آموزش غیررسمی<sup>۲</sup> : یک فرد تنها از طریق مدرسه یا دانشگاه آموزش نمی‌بیند بلکه ممکن است که، همگام با پیشرفت آموزش رسمی، مؤسساتی نیز به وجود آیند و در جهت تکمیل یافته‌های رسمی فعالیت کنند؛ مانند مؤسسات زبان یا کامپیوتر یا ... که آموزش از طریق آنها به اخذ مدرک رسمی منتهی نمی‌شود. ۳- آموزش خصوصی یا شخصی<sup>۳</sup> : هنگامی که فردی، بدون برنامه مدون و مشخصی چیزی فرا می‌گیرد به نوعی یادگیری شخصی پرداخته است. طبیعتاً این آموزش نه مدرک رسمی دارد و نه مدرک غیررسمی. بنابراین، به عنوان مثال، آموزش درس کامپیوتر در مدرسه آموزش رسمی است، کلاسهای درس کامپیوتر خارج از مدرسه آموزش غیررسمی و یادگیری کامپیوتر در خانه از رهگذر مطالعه کتاب یا تمرین، آموزش شخصی قلمداد می‌شود. نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته، اهمیت روابط

1. Formal Education

2. Nonformal Education

3. Informal Education

متقابل این سه نوع آموزش (رسمی، غیررسمی و شخصی) است. این سه، در واقع، یک نظام واحد آموزشی را تشکیل می‌دهند و چنانچه آموزش رسمی یک فرد از جانب یک زیرساخت قوی آموزش غیررسمی و شخصی حمایت نشود، این نظام کارایی لازم را نخواهد داشت. البته، این مشکل در نظام آموزشی کشورهای پیشرفته که در آن منابع غنی یادگیری غیررسمی و شخصی وجود دارند، ممکن است کمتر اتفاق بیفتد، اما در کشورهای در حال توسعه و فقیر این مشکل، خود را بیشتر نشان می‌دهد (Keneth, 1982). اگرچه تحقیقات زیادی در مورد تأثیر متقابل این سه نوع آموزش انجام نشده است، اما معقول به نظر می‌رسد که بگوییم تقویت سه جانبه آنها، به منظور تحکیم انگیزه قوی، برای تعلیم رسمی و نیز کارا و فایده‌مند الزامی است. در این میان، (آموزش عالی آزاد) که قسمتی از آموزش غیررسمی محسوب می‌شود، می‌تواند نقشی اساسی در کارآمدی یک نظام آموزش عالی داشته باشد و، به عنوان مکمل آموزش رسمی، فرصتهای جدیدی در اختیار افراد علاقمند قرار می‌دهد.

**ب - آموزش عالی و کاربرد عملی علم :** در مورد کشور ما، که با کمبود منابع و امکانات مواجه است، ناچار از اولویت‌بندی و تعیین مهم و اهم هستیم و، در مقایسه بین علوم کاربردی و علوم نظری، برای ما علمی در پژوهش‌ها و بررسیهای علمی باید مورد توجه بیشتر قرار گیرند که معطوف به عمل و کاربرد باشند و، در کنار آن، به آن دسته از مباحث نظری باید بها داده شود که، با تقریب و احتمالی، بتوان برای آنها کاربردی در آینده نزدیک متصور بود. در آموزش عالی آزاد، ماهیتاً به کاربرد علم توجه می‌شود، زیرا اغلب متقاضیان دوره‌های آموزش عالی آزاد به دنبال افزایش سطح مهارتهای خود هستند و مهارت، چیزی جز کاربرد عملی علوم نیست. در واقع، آموزش عالی آزاد می‌تواند این نقیصه

دوره‌های رسمی آموزش عالی را - که اغلب موارد بدان اشاره می‌شود - مرتفع سازد، که دانش‌آموختگان آموزش عالی قادر نیستند فراگرفته‌های خود را به طور کامل به عمل درآورند و، دراینان، تناسب «تخصصی - مهارت» به نفع تخصص گرایش دارد، در حالی که در دوره‌های آموزش عالی آزاد تأکید برافزایش مهارت و علوم کاربردی است.

با این وجود، آموزشهای عالی آزاد حتی می‌تواند در جهت برآورده کردن تقاضای افرادی باشد که به آموزش عالی فقط به خاطر خودش علاقه‌دارند، یعنی الزاماً به دنبال ارتقای مهارتهای شغلی خود نیستند بلکه می‌خواهند با آنها اوقات فراغت خود را پرکنند (مثلاً کسانی که به فراگیری آموزش عکاسی یا موسیقی، که از جانب دانشگاه و در قالب آموزش‌های عالی آزاد ارائه می‌شود، می‌پردازند. از دیگر سو، فرد ممکن است علائق متنوعی داشته باشد که رشته شغلی و تخصصی وی تنها یکی از آنها را برآورده سازد. مثلاً کسی که دانش‌آموخته رشته فیزیک است، ممکن است دوست داشته باشد که مقداری هم با رشته‌های شیمی یا مثلاً گیاه‌شناسی آشنا شود. این فرد می‌تواند بازهم در قالب آموزش عالی آزاد و با انتخاب دوره‌های «تکدرس» مربوط به این رشته‌ها به علایق خود پاسخ دهد.

گذشته از اینها، همه ما در زندگی اجتماعی خود با انبوهی از مسایل مواجه می‌شویم که حل آنها نیاز به دانش و مهارتی خاص دارد؛ چنانچه می‌توانستیم این مهارتها را کسب کنیم، در زندگی شخصی و روابط اجتماعی خود موفق‌تر می‌بودیم. مثلاً فرض کنید که می‌خواهید برای انجام کاری با مؤسسه‌ای قرار داد ببندید. مسلماً نحوه نوشتن این قرارداد می‌تواند منافع شما را تضمین کند یا، برعکس، به زیان منافع شما باشد؛ چون قراردادنویسی، خود، به پیش زمینه‌هایی درمورد دانستن برخی قوانین تجارت، کار و .. نیاز دارد، و آموزش عالی آزاد

می‌تواند در این زمینه به شما کمک کند. مثلاً، در دانشگاه PMIT استرالیا، دوره‌ای ۶ ساعته در یک روز با عنوان «قراردادنویسی» آموزش می‌دهند (RMIT University, 2000) و هر کس تمایل داشته و ضرورت کسب این آموزشها را احساس کرده باشد می‌تواند به فراگیری آن اقدام نماید. باکمی تأمل می‌توان صدها مورد از این مثالها، که نشأت گرفته از نیاز زندگی است و تنها دانشگاه از عهده ارائه چنین خدماتی بر می‌آید (یا لاقلاً بهتر از بقیه می‌تواند این کار را انجام دهد)، ارائه کرد.

پ - آموزش عالی آزاد، حلقه پیوند دانشگاه با اقتصاد، صنعت و بازار کار: نزدیک شدن دانشگاه به اقتصاد می‌تواند در افزایش چشم‌اندازها و اطلاعات دانشگاهها در مورد دو بازار کار و آموزش مؤثر باشد. به علاوه، اقتصاد می‌تواند درک دانشگاهها از محیط گسترده‌تری که می‌توانند فعال باشند را اصلاح نماید. ارتباط دانشگاه با اقتصاد حتی می‌تواند از نظر ارتقای سطح دانش یا بالارفتن کیفیت تجهیزات آموزشی، به نفع دانشگاه باشد. آنچه مسلم است این است که گسترش آموزش‌های عالی آزاد می‌تواند ارتباط بین دانشگاه و اقتصاد را تسهیل کند.

اقتصاد نیز، از جهات گوناگون، از ارتباط با دانشگاه سود می‌برد؛ یکی از این جهات، نیاز به آموزش نیروی کار است. عمده‌ترین دلیلی که بنگاه‌های اقتصادی (اعم از تولیدی یا خدماتی و صنعتی یا کشاورزی) به آموزش نیروی کار خود روی می‌آورند، تغییر فناوری است. در جریان رشد دانش و تغییرات فناورانه (تکنولوژیک)، نیاز است که نیروی کار، تحت شرایط جدید، آموزش ببیند. این شرایط خود دانشگاهها رانیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند آموزش را در جایگاه یک صنعت پیشرفته قرار دهد؛ زیرا برنامه‌های آموزشی از تغییرات

فناوری سود می‌برند و همان گونه که بنگاه‌های اقتصادی، به دلیل تشدید رقابت، مجبور به سرمایه‌گذاری‌های جدید و توسعه حوزه فعالیت خود هستند نیاز به بازآموزی کارکنان بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود.

تغییرات، تحولات و پیشرفتهای اقتصادی و فناورانه تقاضای شرکتها را برای افزایش مهارت نیروی کار خود به تحرک وادارند. مثلاً در اقتصاد آمریکا، ۷۵ درصد تمامی کارگرانی که در سال ۱۹۸۹ مشغول به کار بوده‌اند به علت تغییرات در طبیعت شغل‌های موجود و یا به دلیل ایجاد شغل‌های جدید که نیاز مهارتهایی در سطح بالاتر و جدید دارند، تا سال ۲۰۰۰ میلادی می‌بایست آموزش مجدد می‌دیدند. این در حالی است که تقریباً یک سوم کارگران این کشور برای مواجهه با مسایل ابتدایی، نظیر ارتباط بیانی و نگارش، حل مسایل ساده ریاضی یا درک مطلب که لازمه کار آنها است، دارای مهارت کافی نبوده‌اند. بنابراین، طبیعت متغیر اقتصاد از یک طرف و تنوع روشها و تجهیزات آموزشی و پیشرفت آنها از طرف دیگر باعث شده‌اند که بنگاه‌های اقتصادی آینده‌نگر، با تکیه بر آموزش‌های رسمی و به ویژه غیررسمی (آموزش‌های عالی آزاد)، درصدد ایجاد ارتباطی بیشتر بین دانش و مهارت نیروی کار خود برآیند. چنین ضرورتی باعث شده است که شرکت‌های تولیدی و خدماتی آمریکا سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار صرف چنین آموزشها و مهارتهایی کنند. (این رقم حدود دو برابر تولید ناخالص ملی ایران و پنج درصد تولید ناخالص ملی امریکاست.) (Wiler, 1993)

بنگاه‌های اقتصادی به خاطر ضایعات فرایند تولید، که ناشی از ضعف آموزشی و بهره‌وری اندک نیروی کار است، هزینه گزافی می‌پردازند. به عنوان مثال، شرکت‌های آمریکایی سالانه ۲۵ میلیارد دلار فقط صرف بازآموزی کارگرانی می‌کنند که در روند تولید ضایعات نقش دارند، گرچه بدیهی است که در این

بازآموزیها و آموزش مستمر، که بیشتر درچارچوب آموزش عالی آزاد قرار می‌گیرد، هم کارگران و هم کارفرمایان هر دو سود می‌برند و منافع مشترکی دارند. در چنین شرایطی، بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسات آموزش عالی در وضعی قرار گرفته‌اند که می‌توانند، در این فرایند، افزایش یابنده ارتباط نزدیک‌تری با یکدیگر برقرار کنند. در این زمینه، نادیده گرفتن منافع بالقوه و نیز هزینه‌هایی که هر دو برای آماده شدن با این شرایط باید پردازند، از موانعی بوده‌اند که به طور قابل ملاحظه‌ای از برقراری پیوند و ارتباط مستحکم و مستمر بین این دو جلوگیری کرده‌اند.

عامل دیگری که می‌تواند موجب تقاضای نیروی کار برای فراگیری دوره‌های آموزش عالی آزاد باشد تغییر شغل است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در اقتصاد آمریکا هر فرد شاغل در طول عمرکاری خود، به طور متوسط، ۳ تا ۴ بار شغل خود را تغییر داده است (Wilder, 1993)؛ یعنی هر فرد در طول مثلاً ۳۰ سال کار خود، به طور متوسط هر ۸ سال، یک بار شغل خود را عوض می‌کند. طبیعتاً این تغییر شغل نیازهای تخصصی و مهارتی و آموزشی جدیدی را می‌طلبد که می‌توان از طریق آموزش عالی آزاد به دست آورد. البته، تفاوت تغییر شغل در ایران با کشورهای پیشرفته در این است که، در ایران، تغییر شغل کمتر به جهت تحولات اقتصادی و پویایی اقتصاد و پیشرفتهای فناورانه است. اما از آنجایی که، در ایران، تثبیت شغلی مهمتر از تغییر شغل است و افرادی که در استخدام رسمی هستند معمولاً شغل خود را عوض نمی‌کنند و به تثبیت شغلی خود دل می‌بندند، بسیاری از نیروی کار در کشور ما قرارداد استخدامی غیررسمی دارند (پیمانی، قراردادی، روزمزد و ...) و احتمال می‌رود که این افراد، در طول دوره کاری خود، از روی اختیار یا اجبار مجبور شوند که شغل خود را عوض کنند (در سال



۱۳۷۶، ۱۵ درصد کل کارکنان بخش عمومی و دولتی، دارای قرارداد استخدای پیمانی، قراردادی با خرید خدمت بوده‌اند (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۷) مسلماً در میان شاغلان بخش خصوصی، تغییر شغل بیشتر است). همچنین نکته دیگری که در مورد اقتصاد ایران متأسفانه می‌تواند نوید دهنده بازاری خوب و مناسب برای آموزشهای عالی آزاد باشد، چند شغله بودن افراد به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی و دلایل دیگر است. در امریکا یا سایر کشورهای پیشرفته، شاغلان هربار تنها یک شغل دارند اما، در طول دوره کاری خود، شغل خود را چندبار عوض می‌کنند. اما در ایران، بسیاری از افراد و نیروی کار هستند که، در عین حال و در عرض هم (و نه در طول هم)، چند شغل دارند و این چند شغله بودن ممکن است نیاز به مهارتهای متنوعی داشته باشد که آن را می‌توان از طریق آموزشهای عالی آزاد کسب کرد.

باتوجه به تنوع و گسترش فعالیتهای اقتصادی، می‌توان پیشبینی کرد که، به دلیل ضرورت برقراری ارتباط کارا تر بین دانشگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، آموزشهای آزاد در آینده گسترش خواهند یافت و به درون بخشهای جمعیتی که تاکنون از آن استفاده نکرده‌اند (نظیر کارکنانی که مهارتهای جدید ندارند یا زنان کشیده خواهند شد؛ اگرچه این افزایش ارتباط مستلزم طراحی برنامه‌های آموزشی خلاقانه و کاربردی از جانب دانشگاه‌ها و نیز نیازمند آگاهی بیشتر بنگاه‌های اقتصادی و همچنین نیروی کار برای درک ضرورت اینگونه آموزشها برای افزایش بهره‌وری و بازدهی بنگاه‌ها و افراد است. افزایش ارتباط دانشگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و شاغلان توسعه قابل توجهی را در آموزش عالی وعده می‌دهد و مستلزم افزایش آگاهیهای هر دو طرف (دانشگاه‌ها از یک طرف و

بنگاه‌های اقتصادی و نیروی کار از طرف دیگر) در مورد منافع بالقوه و فرصت‌ها است که آموزش عالی آزاد در اختیار آنان قرار می‌دهد.

ت - آموزش عالی آزاد و تأمین مالی دانشگاه‌ها: آموزش عالی آزاد، علاوه بر آثار مثبتی که در زمینه کاربرد علوم و افزایش بهره‌وری نیروی کار دارد، می‌تواند نقش درآمد افزایی نیز داشته باشد. طی سالهای اخیر، کم و حمایت دولتی از آموزش عالی روبه کاهش نهاده و رقابت دانشگاه‌های دولتی برای تصاحب منابع اندک و کم شونده بخش آموزش عالی افزایش یافته است. این در حالی است که، به دلیل تحولات اقتصادی، ساختار درونی دانشگاه‌ها نیز احتیاج به تغییر دارد و به همین خاطر به منابع مالی بیشتری نیاز دارند. دانشگاه‌ها باید به کامپیوتری کردن برنامه‌های اجرایی و آموزشی خود بپردازند و آزمایشگاه‌های خود را به تجهیزات مدرن مجهز کنند و، درعین حال، هزینه‌های جاری و عمرانی خود را مانند قبل تأمین نمایند.

اصولاً، آموزش عالی کالایی گران و فعالیتی پرهزینه محسوب می‌شود. در کشورهای توسعه نیافته، توسعه آموزش عالی سریع‌تر از سایر نظام‌های آموزشی بود و هزینه زیاد آموزش عالی مسایل مالی جدی در پی داشت. در اغلب این کشورها، بودجه دولت تحت فشار قرار گرفت و نظام‌های آموزش عالی مجبور شدند با کاهش مخارج سرانه حقیقی هر دانشجو مقابله کنند (کلارک؛ نیو، ۱۳۷۶). چنین روندی باعث شد تا دانشگاه‌های سراسر جهان به فکر چاره بیفتند، در نتیجه، تأکید بر رقابتی شدن و بازارگرا شدن دانشگاه‌ها اهمیت بیشتری یافت. این روند، به طور اخص، در دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد و دانشگاه‌ها با این شعار که «مؤسسات آموزش عالی ظرفیت بالقوه تأمین بخش عظیمی از مخارج خود را از طریق فروش خدمات خود دارا هستند» به جستجوی منابع مالی

پرداختند و دریافتند که مهارت‌های آموزش عالی به شکلهای گوناگون، از جمله قراردادهای آموزش و تحقیق و توسعه و نیز مشاوره، قابل تقاضا و فروش است. واقعیت این است که دانشگاه‌ها برای حفظ موجودیت خود، ناگزیر به انجام این نوع فعالیتها هستند و بسیاری از دانشگاه‌ها در سطح جهان، با نسبتهای متفاوت، میزان درآمد حاصل از فروش خدمات آموزشی و پژوهشی خود را چه از لحاظ قدر مطلق و چه از لحاظ سهمی از کل درآمدها افزایش داده‌اند. به عنوان مثال، در هلند، در سال ۱۹۸۵ حدود ۸ درصد از درآمد مؤسسات آموزش عالی از ناحیه وجوه حاصل از فروش خدمات دانشگاهی بوده است. این نسبت برای درآمد پلی تکنیکهای انگلستان در سال ۱۹۹۲ حدود ۷ درصد کل درآمدها بوده است. (قارون - ص ۲۴۴).

بنابراین، نمی‌توان و نباید از منافع مالی ارائه دوره‌های آموزش عالی آزاد که زیرمجموعه‌ای از سرفصل فروش خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها محسوب می‌شود، چشم‌پوشی کرد. هنگامی که، در سال ۱۹۹۱، دانشگاه نیویورک توانست از طریق ارائه این گونه خدمات آموزشی، ۵ میلیون دلار و دانشگاه هاروارد ۱۹ میلیون دلار درآمد کسب کند (Wilder, 1993)، دانشگاه‌های ایران نیز - هرچند در سطحی محدودتر - نباید این امکان درآمدزایی را از دست بدهند. درآمدهای حاصل از اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر بزرگسالان، که ارتباط اقتصاد و دانشگاه را استمرار می‌بخشند، می‌توانند از لحاظ مالی دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کوچکتر را راه بیندازند و فعال کنند. به علاوه، تلاش برای تنوع بخشیدن به منابع مالی و حرکت دانشگاه‌ها در جهت «تأمین مستقلانه وجوه» می‌تواند حرکتی خلاف وابستگی به منابع دولتی باشد. از این زاویه، استقلال

مدیریتی دانشگاه‌ها رو به افزایش می‌گذارد زیرا، به طور کلی، مؤسساتی خود را مقیدتر به پیروی از سیاستهای تعیین شده می‌بینند که از نظر مالی وابسته‌تر باشند. ث - آموزش عالی آزاد و توسعه دانش در دانشگاه‌ها: بنگاه‌های اقتصادی و شرکتهای تولیدی و خدماتی، برای پاسخ به نیازهای علمی و نیروی متخصص خود، هیچ جایی را بهتر از دانشگاه‌ها نمی‌یابند. دانشگاه مهد علم است و نقش اساسی را در پیشبرد بنیان علمی هر کشور و تربیت و استفاده از مهارت‌ها و تخصص‌های پیشرفته دارد. باین وجود، برخی صنایع بزرگ و پیشرفته دنیا در زمینه خلق فناوری و توسعه مرزهای دانش، رقیب دانشگاه‌ها محسوب می‌شوند. واحدهای تحقیق و توسعه این صنایع، به جهت رقابت شدید، مجبور بوده‌اند هزینه‌های بسیاری را صرف پژوهشهای علمی کنند. اما توجه به علم در دانشگاه و صنعت دوتفاوت عمده دارد: اول آنکه، در صنعت به علوم کاربردی توجه می‌شود، در حالی که در دانشگاه، «علم پروری» بر علوم پایه و بنیادی متمرکز است. دوم آنکه، پژوهشهای علمی در صنایع به صورت انحصاری انجام می‌شوند یعنی نتایج تحقیق منتشر نمی‌شوند، اما در دانشگاه پژوهش یک «کالای عمومی» است که هر کس می‌تواند از نتایج تحقیقات آنها استفاده کند.

در هر صورت، در چنین شرایطی ممکن است شرکتهای تولیدی نه فقط از لحاظ عملی بلکه از دیدگاه مفاهیم نظری نیز از مؤسسات آموزش عالی پیشی گیرند. بنابراین، مؤسسات آموزش عالی باهدف بهنگام بودن همه جانبه خود، نیازمند دروندادهایی از بخش صنعت هستند. اگر ارتباط دانشگاه و بنگاه‌های اقتصادی از طریق «آموزش عالی آزاد» گسترش یابد، مطمئناً این دروندادها بیشتر خواهد شد و دانشگاه‌ها می‌توانند از دستاوردهای جدید علمی که در صنایع به

وجود آمده است، استفاده کنند. این امر برای انتخاب و طراحی دوره‌های جدید آموزشی در تمام سطوح مؤثر خواهد بود.

به غیر از اینها در هر زمانی، باتوجه به شرایط اجتماعی و تحولات جهانی، تقاضاهایی که از جانب افراد عادی جامعه و عموم مردم برای گذراندن دوره‌های آموزش عالی آزاد می‌شود، متفاوت خواهد بود و این تقاضا ممکن است چیزی ورای آنچه تاکنون در دانشگاه‌ها دایر است، باشد. به عبارت دیگر، تقاضاها و نیازهای جدید اجتماعی که در قالب آموزش عالی آزاد به وجود می‌آیند، دانشگاه‌ها را مجبور می‌کنند که به حیطه‌های جدیدی دست یابند و، باتشخیص نیاز اجتماعی و طراحی برنامه‌های آموزشی و درسی منطبق با آن، برمجموع تجارب خود بیفزایند.

**ج - انعطاف آموزش عالی آزاد :** قبل از ورود به دانشگاه، فکر می‌کردم که تدریس در دوره‌های رسمی دانشگاه یکی از محدود شغلهایی است که در آن یک شکلی و تکرار وجود ندارد و «فسیل شدن از راه کار» در آن به وجود نمی‌آید. اما پس از ورود به دانشگاه نظرم تغییر کرد و دریافتم که استادی دانشگاه نیز می‌تواند شغلی باشد همانند سایر شغلها که فرد در موقعیتی سترون قرار می‌گیرد و شغل او همراه با سکون و بدون پیشرفت است. تصور کنید استادی که ۲۰ سال (و هر سال تحصیلی دونیمسال) به تدریس یک درس با یک شیوه و با سرفصلهای یک کتاب پرداخته، او دیگر به یک ماشین تدریس تبدیل شده است و به قدری مطالب درسی را تکرار کرده است که اگر با چشمان بسته هم بر سر کلاس بیاید، بازهم می‌تواند همان مطالب را بگوید و بنویسد.

یک علت عمده این مسأله در کشور ما این است که برنامه‌ریزی درسی و آموزشی ساکن و بدون حرکت و تنوع است. عدم انعطاف در مواد درسی و

مطالب آموزشی و روش تدریس یکی از دلایلی است که دوره‌های رسمی دانشگاهی را به حالت سکون درآورده و این نظام آموزشی را در یک چرخه تکرار گرفتار کرده است. اما حسن آموزشهای عالی آزاد در این است که ساختاری منعطف دارد، بدین معنی که بسیاری از دوره‌هایی که در چارچوب آموزشهای آزاد ارائه می‌شوند، برخاسته از یک نیاز عینی هستند و هر درس یا دوره‌ای به صورت زنده و کاربردی برگزار می‌گردد و در آن هیچ چیز ثابتی وجود ندارد؛ بلکه مواد درسی برای یک متقاضی به متقاضی دیگر تفاوت می‌کند. بنابراین، آموزشهای عالی آزاد می‌توانند استادان دانشگاه را از رکود و سکون دوره‌های رسمی خارج کنند و، با به روز کردن دانش استادان و با به چالش کشیدن دانش آنان با مسایل واقعی دنیای کار، محیطی پرتحرک برای استادان و دانشجویان فراهم آورند. طبیعتاً هنگامی که یک دوره آموزشی، برخاسته از یک نیاز عینی و فارغ از مسائل مدرک‌گرایی باشد، انگیزه‌های تدریس برای استادان و نیز انگیزه‌های یادگیری برای دانشجویان افزایش می‌یابد و کارایی این دو را بالا می‌برد.

بر این پایه، آموزش عالی آزاد نسبت به دوره‌های بلندمدت و رسمی، برای صنایع و شرکت‌های تولیدی، راهی بهتر و کاراتر برای برقراری ارتباط با دانشگاه است زیرا برنامه‌های آموزشی و مواد درسی دانشگاهی در دوره‌های رسمی انعطاف‌پذیری زیادی ندارند و به کندی و یا به ندرت تغییر می‌کنند؛ درحالی که تحولات پرشتاب فناوری می‌تواند بسیار جلوتر از مواد درسی دانشگاه‌ها و موضوعاتی که در قالب کتابهای رسمی به دانشجویان آموخته می‌شوند، باشند و نتوانند نیازهای روز صنایع را در مورد آموزش کارکنان و بازآموزی آنان برآورده سازند. در دوره‌های رسمی، بسیاری از دروس را می‌توان یافت که کارایی عملی

خود را به مرور زمان از دست داده‌اند و یا آنکه از اول کارایی نداشته‌اند، اما کماکان تدریس می‌شوند. ممکن است بسیاری از این واحدهای درسی برای صناعی که به دنبال آموزش کارکنان خود هستند زاید باشند. مثلاً از ۱۴۰ واحد دوره کارشناسی برای شرکتی که می‌خواهد به کارکنان خود در زمینه مهندسی مکانیک آموزش‌هایی بدهد، شاید ۲۰ تا ۳۰ واحد درسی کافی باشند. این واحدها می‌تواند عصاره‌ای از کل آن دوره رسمی باشند. پس، لزومی ندارد که شرکت موردنظر، برای تمام واحدها، وقت و هزینه صرف کند. امکان این صرفه‌جویی را آموزش عالی آزاد فراهم می‌کند. به علاوه، حتی ممکن است نیازهای آموزشی شرکت‌های تولیدی و خدماتی طوری اقتضا کنند که مواد آموزشی در هیچیک از دوره‌های رسمی وجود نداشته باشند. این بار نیز ویژگی انعطاف‌پذیری آموزش عالی آزاد، در طراحی موضوعات و مواد درسی، این امکان را به وجود می‌آورد تا دوره‌های موردنظر متقاضیان ارائه شوند.

**چ - آموزش عالی آزاد و نزدیکی دانشگاه به جامعه :** معمولاً ایرادی که به دانشگاه‌های ما گرفته می‌شود این است که این دانشگاه‌ها از جامعه به دورند و ارتباط چندانی با نیازهای علمی جامعه برقرار نمی‌کنند. اگرچه از لحاظ مسائل سیاسی و به ویژه جنبشهای دانشجویی ارتباطهای تاریخی زیادی می‌توان بین دانشگاه و جامعه پیدا کرد، اما از لحاظ ارتباط علمی که اصلی‌ترین کارکرد دانشگاه است جامعه هنوز نتوانسته است وجود دانشگاه را حس کند. به عبارت دیگر، از این دیدگاه، دانشگاه همچون جزیره‌ای در میان جامعه است که در برقراری پیوند ارگانیک با جامعه موفق نبوده است.

آموزش‌های عالی آزاد، راهی مطمئن برای نزدیک کردن دانشگاه با جامعه هستند. به عنوان مثال، در منطقه‌ای که دانشگاه در آن قرار دارد، صنایع بسیاری

هستند که به بازآموزی بردانش‌افزایی کارگران خود احتیاج دارند و دوره‌های آموزشهای آزاد دانشگاهی می‌تواند این نیاز صنایع را برطرف کند. بنابراین، کارگران و کارکنان این صنایع هنگامی که ببینند دانشگاه می‌تواند به طور عینی برای آنها مفید باشد و کارایی آنها (و در نتیجه درآمد آنها) را بالا ببرد، دانشگاه را به طور ملموس، نهادی مهم و مفید برای جامعه قلمداد می‌کند. این نکته‌ای است که برخی دانشگاه‌ها در پرسش نامه‌های ارسالی بدان اشاره کرده‌اند.

به علاوه، دانشگاه‌ها به طور بالقوه می‌توانند صدها دوره آموزشهای آزاد طراحی و تعریف کنند که متقاضیان اجتماعی زیادی خواهد داشت. دوره‌هایی مثل آموزش کامپیوتر، زبان، عکاسی، ورزش، موفقیت تحصیلی، مهارت سخنوری و بسیاری مهارت‌های دیگر که در سطح عالی و دانشگاهی ارائه می‌شود و افرادی که علاقه‌مند به این دوره‌ها هستند می‌توانند با ثبت نام در این دوره‌ها به منافع فردی زیادی دست یابند. پس، از این طریق هم دانشگاه می‌تواند منشأ ارائه خدمات اجتماعی گسترده باشد و خود را به عنوان جزیی لازم و جدانشدنی از جامعه معرفی کند.

## ۲- آیین‌نامه‌های آموزش عالی آزاد

آموزشهای عالی آزاد در دانشگاه‌های ایران، به طور کلی، از سال ۷۰ به بعد فعال شدند و قبلاً فعالیت قابل توجهی در دانشگاه‌های کشور در این زمینه صورت نگرفته بود. با تأسیس «دفتر آموزشهای آزاد» در وزارت علوم در سال ۶۹، نظارت و هماهنگی دوره‌های آموزش عالی بیشتر شد و ایجاد چنین دوره‌هایی، با تصویب سه آیین‌نامه در مورد آموزش عالی آزاد، تسهیل گشت. «آیین‌نامه اجرایی آموزشهای عالی کوتاه مدت» مصوب ۱۳۷۰/۲/۸؛ «آیین‌نامه دوره‌های آموزشی



مستمر» مصوب ۱۳۷۰/۶/۱ و، درنهایت، «آیین نامه دوره‌های آموزش عالی آزاد» مصوب ۷۸/۸/۷ آیین نامه‌هایی هستند که در این باب ایجاد شده است. البته، باتصویب آخرین آیین نامه (۷۸/۸/۷)، دو آیین نامه قبلی ملغی شد. این آیین نامه دارای خصوصیات مثبتی از جمله موارد زیر است: هم سازمانهای دولتی و هم سازمانهای خصوصی می‌توانند برای آموزش کارکنان خود از طریق دانشگاه تقاضا صادر کنند؛ آحاد مردم (به شرط داشتن مدرک دیپلم متوسطه) می‌توانند متقاضی این دوره‌ها باشند؛ علاوه بر دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی آزاد نیز می‌توانند مجری چنین دوره‌هایی باشند که این امر به ایجاد رقابت بیشتر و افزایش کیفیت دوره‌های آموزش آزاد کمک می‌کند.

به هر حال، باید به خاطر داشت که مشکل اصلی، اشکالات آیین نامه‌ای نیست؛ مشکل آن است که «فرهنگ» آموزش عالی چه در بین دانشگاه‌ها و چه در بین مردم و شرکتها ایجاد نشده است و دانشگاه‌ها نیز ضرورتی برای فعال کردن این دوره‌ها احساس نکرده‌اند و در جهت ایجاد، تبلیغ، و ترویج این دوره‌ها (به عنوان یک عرضه کننده و تولیدکننده) گامی برنداشته‌اند. البته، چیزی که تحت عنوان آموزشهای آزاد در دانشگاه‌های دولتی کشور نسبتاً فعال بود، دوره‌های معادل بود که با حذف این دوره‌ها در سال دانشگاه‌ها با یک خلأ فعالیتی در این مورد مواجه شدند. دوره‌های معادل، همان دوره‌های رسمی هستند، با این تفاوت که متقاضیان این دوره‌ها از طرف یک سازمان معرفی شده‌اند و از سد کنکور عبور نکرده‌اند، و دوم آنکه مدرک دوره‌های معادل برای ادامه تحصیل اعتبار ندارد. به هر حال، ارائه این دوره‌ها از طرف دانشگاه‌ها راحت بود و کار پرزحمتی محسوب نمی‌شد، زیرا برنامه درسی، مواد درسی و مدارس این دوره‌ها آماده بودند. (چون

در دوره‌های رسمی وجود داشت) و چون درآمد خوبی هم نصیب دانشگاه‌ها می‌کردند، طبیعتاً دانشگاه‌ها از آنها استقبال می‌کردند.

### ۳- آموزش عالی آزاد در دانشگاه‌های دولتی

اگر بگوییم که دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم به هیچوجه در زمینه آموزشهای آزاد موفق نبوده‌اند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. از مجموع ۵۱ پرسشنامه‌ای که برای ۵۱ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی کشور (زیر نظر وزارت علوم) ارسال شد، ۳۱ پرسشنامه برگشت داده شدند؛ نرخ بازگشت ۶۱ درصد بود (پرسشنامه‌های تعدادی از دانشگاه‌ها پس از نگارش نهایی طرح به دست ما رسیدند که طبیعتاً نمی‌توانستند مورد استفاده قرار گیرند). با بررسی این پرسشنامه‌ها دریافتیم که طی هفت سال (از سال تحصیلی ۷۰-۷۱ تا سال تحصیلی ۷۶-۷۷) تنها ۳۲۶۲ نفر در کل این ۳۱ دانشگاه دوره‌های آموزش آزاد (غیر معادل) را گذرانده‌اند. جالب آنکه در ۱۷ دانشگاه (یعنی ۵۵ درصد دانشگاه‌هایی که پرسشنامه را پر کرده و برگشت داده‌اند) هیچ دوره آموزش عالی آزاد طی این مدت برگزار نشده است. حتی برخی دانشگاه‌ها، در تماسهایی با مجری طرح، معنی و مفهوم آموزش آزاد غیر معادل را جویا می‌شدند و اصلاً نمی‌دانستند که این دوره‌ها چه هستند.

به هر حال، اگر بدانیم ۶۱ درصد دانشگاه‌ها ۳۲۶۲ نفر را در دوره‌های آموزش عالی کوتاه مدت پذیرفته و آموزش داده‌اند پس می‌توان فرض کرد که تمام این دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ۵۳۴۸ نفر را در چارچوب این دوره‌ها آموزشی داده‌اند (باتسری نسبت دانشگاه‌هایی که پرسشنامه را ارسال کرده‌اند به کل دانشگاه‌ها) که رقم بسیار کمی است و اگر ۵۳۴۸ را بر ۷ تقسیم کنیم

متوسط سالانه ۷۶۴ نفر برای کل دانشگاه‌های کشور طی این دوره به دست می‌آید و اگر فرض کنیم که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی زیر نظر وزارت علوم سالانه، به طور متوسط، ۱۵۰ هزار نفر را در دوره‌های رسمی دانشگاهی جذب می‌کنند، نسبت آموزش عالی آزاد به آموزش عالی رسمی عدد ۰/۰۰۵ (پنج هزارم) خواهد بود و همانطور که گفتیم این رقم تقریباً هیچ است و نشان از بی‌توجهی دانشگاه‌ها به آموزش عالی آزاد دارد. در هر صورت، همان گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، در این ۷ سال، در مجموع، ۱۰۷ دوره آموزش عالی آزاد کوتاه مدت توسط این ۳۱ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی برگزار شده که بیشترین آن در دانشگاه شیراز انجام گرفته است (۲۲ مورد) و این به خاطر وجود صناعی است که در شیراز مستقرند و به این دوره‌ها اهمیت داده‌اند. از لحاظ تعداد افراد آموزش دیده، دانشگاه سیستان و بلوچستان در صدر قرار می‌گیرد زیرا ۷۷۰ نفر را از طریق آموزشهای کوتاه مدت آموزش داده است. بسیاری از این افراد در زمینه خدمات کشتی و کشتی‌رانی آموزش دیده‌اند. همچنین، طبق داده‌های پرسشنامه‌ها، بیشترین دوره‌های آموزش عالی آزاد در گروه‌های آموزشی فنی - مهندسی و علوم انسانی برگزار شده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از نیاز دستگاه‌ها و مؤسسات مختلف به ارتقای علمی اعضای خود قلمداد شود چون بسیاری از شرکتها و سازمانهای تولیدی و خدماتی با رشته‌های فنی مهندسی و علوم انسانی در ارتباطند. در مورد متقاضیان این دوره‌ها دونکته حائز اهمیت‌اند. اول اینکه، در میان سازمانها و شرکتها و اشخاص حقوقی، متقاضیان بخش دولتی و عمومی بیشتر از متقاضیان بخش خصوصی بوده‌اند (و در بخش دولتی هم سازمانها و ادارات دولتی بیشتر از شرکتهای تولیدی دولتی متقاضی بوده‌اند) و

دوم آنکه متأسفانه در بین متقاضیان، افراد عادی و اشخاص حقیقی وجود ندارند و دانشگاه‌ها در زمینه طراحی دوره‌هایی برای آحاد مردم جامعه کاری نکرده‌اند. نکته دیگر آن است که، برخلاف تصور، دانشگاه‌های با سابقه و معتبری چون شریف، امیرکبیر و علامه طباطبایی، بر طبق اطلاعاتی که خود آنها در پرسشنامه‌ها برای ما ارسال کرده‌اند، طی این سالها هیچ دوره آموزش عالی آزاد کوتاه مدتی برگزار نکرده‌اند؛ در حالی که انتظار بر این است که این دانشگاه‌ها امکانات و توانایی ارائه چنین دوره‌هایی را دارند و مطمئناً برای آنها متقاضیان زیادی وجود دارند. یک علت این امر آن است که این دانشگاه‌ها تنها در زمینه دوره‌های معادل فعال بوده‌اند و زحمت طراحی دوره‌های آموزش عالی کوتاه مدت را به خود نداده‌اند.

اطلاع دیگری که در پرسشنامه از دانشگاه‌ها خواسته بودیم، درآمد حاصل از برگزاری دوره‌های کوتاه مدت بود که معمولاً اطلاعات ناقصی در مورد آن ارسال شده بود. با این وجود، تحلیلی در این مورد، با توجه به دانشگاه‌هایی که اطلاعات کاملی فرستاده‌اند، می‌توان ارائه داد. از آن جمله است دانشگاه فردوسی مشهد که یکی از دانشگاه‌های فعال در زمینه دوره‌های آموزش عالی آزاد کوتاه مدت و معادل بوده است. بر طبق اطلاعات ارسالی، این دانشگاه در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ از برگزاری آموزش‌های آزاد کوتاه مدت، ۳۸۶ میلیون ریال درآمد کسب کرد که حدود ۲/۵ درصد کل بودجه این دانشگاه در این سال را تشکیل می‌داد. همچنین محاسباتی که برای دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شدند نشان دادند که دانشگاه مزبور، در سال تحصیلی ۷۱-۷۰، در نتیجه برگزاری ۳ دوره آموزش آزاد کوتاه مدت و غیرمعادل، ۱۵۳ میلیون ریال درآمد کسب کرده است که کمی بیش از ۲ درصد بودجه کل این دانشگاه در این سال را تشکیل می‌دهد. بنابراین،

دور از انتظار نیست که دانشگاه‌ها با فعال شدن در زمینه ارائه دوره‌های آموزش عالی آزاد بتوانند تا ۱۰ درصد از بودجه خود را از این طریق ایجاد کنند زیرا ارقام آورده شده در بالا در وضعیت بی‌رونقی آموزش عالی آزاد به دست آمده‌اند و چنانچه این دوره‌ها در دانشگاه‌ها فعال شوند و رونق بگیرند، می‌توان انتظار داشت که سهم قابل توجهی از درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها از این راه تأمین شوند.

علاوه بر این اطلاعات و اطلاعات دیگر، از دانشگاه‌ها خواسته بودیم تا نظر خود را در مورد نقاط ضعف و قوت و راه‌های رونق و گسترش آموزش عالی آزاد بنویسند. خلاصه‌ای از این نظریات را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کنیم:

**نقاط ضعف:** عدم تأیید و پذیرش گواهینامه این رشته‌ها از سوی سازمان امور اداری و استخدامی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی فعلی) - عدم تعادل و هماهنگی و بروز مشکل بین دانشجویان این دوره‌ها با دانشجویان عادی - مراحل اجرای این دوره‌ها پیچیده، زمان‌بر و سخت است و معمولاً با مشکلات اداری (بوروکراتیک) مواجه است.

**نقاط قوت:** توأم شدن علم و تجربه و رضایت کارکنان و کارفرمایان - افزایش ارتباط دانشگاه و صنعت - ایجاد زمینه ادامه تحصیل برای افراد مستعد و علاقمندی که به هر علت قادر به گذشتن از سد کنکور نیستند - استفاده حداکثر از امکانات و ظرفیت‌های آموزشی دانشگاه - مطرح شدن توانایی‌های دانشگاه برای ارائه خدمات گوناگون در منطقه‌ای که دانشگاه در آن قرار دارد - افزایش بهره‌وری و مهارت شغلی.

**پیشنهادها:** در دفترچه‌های آزمون سراسری، از سوی دانشگاه‌ها برای این نوع دوره‌ها سهمیه‌ای در نظر گرفته شود - ساختمانی مجزا (داخل یا خارج از

دانشگاه) برای برگزاری این دوره‌ها اختصاص یابد - بخشی در وزارت علوم مسئولیت داشته باشد تا بین دانشگاه‌ها و شرکتها هماهنگی لازم را به عمل آورد و به متقاضیان تواناییهای دانشگاه‌ها و به دانشگاه‌ها نیازهای متقاضیان را منعکس کند - مؤسسات دولتی و عمومی و حتی بخش خصوصی تشویق (و یا ملزم) شوند که از طریق این دوره‌ها برای ارتقای علمی کارکنان خود اقدام کنند - دانشگاه‌ها در هزینه کردن درآمدهای این دوره‌ها مختار باشند - تصمیم‌گیریهای مربوط به اجرای دوره‌ها تا حد امکان به دانشگاه‌های مجری واگذار شوند.

#### ۴- نظر مسئولان آموزش عالی آزاد دانشگاه‌ها

یکی از مشکلات فرهنگی - سیاسی مدیران مملکت ما این است که، برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، تقصیر را به گردن دیگری می‌اندازند و حاضر نیستند حتی مسئولیت قسمتی از مشکلات تحت مدیریت خود را به دوش بگیرند. در این طرح شاهد بودیم که مسئولان آموزشهای آزاد دانشگاه‌ها از دفتر آموزشهای آزاد وزارت علوم گلایه داشتند که، بر روی طرحها و آیین‌نامه‌های مربوط به آموزشهای آزاد، کار کارشناسی دقیقی انجام نمی‌دهد. همچنین در مواجهه با سازمانهای دیگر (نظیر سازمان امور اداری و استخدامی سابق) منافع دانشگاه‌ها را به طور جدی تأمین نمی‌کند. از دیگر سو، مسئولان دفتر آموزشهای آزاد وزارت علوم نیز عدم فعالیت پیگیر دانشگاه‌ها را عامل اصلی بی‌رونقی دوره‌های آموزش عالی آزاد در ایران می‌دانستند. البته، ممکن است که هر دو طرف درست بگویند و هر کدام قسمتی از واقعیت را بیان کنند؛ اما تا زمانی که فرهنگ مسئولیت‌پذیری به معنای واقعی آن حاکم نشود و هر سازمانی در جهت رفع نواقص و عیوب خود مجدانه گام بردارد، نمی‌توان انتظار بهبودی و پیشرفت

جدول ۱- وضعیت آموزشهای کوتاه مدت در دانشگاه‌های کشور در سالهای تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تا ۷۱-۱۳۷۰

مقناضی	گروه آموزشی						فعال در زمینه دوره‌های معادل	تعداد افراد آموزش دیده	تعداد دوره	دانشگاه	ردیف
	رشته‌های پایه	رشته‌های تخصصی	رشته‌های کاربردی	رشته‌های مهارتی	رشته‌های حرفه‌ای	رشته‌های فنی					
-	-	-	-	-	-	-	۳۳۳	۱	لرستان	۱	
-	-	-	-	-	-	×	-	-	دانشکده علوم کشاورزی و منابع طبیعی	۲	
-	×	-	-	-	-	×	۴۷	۲	صنعتی امیرکبیر	۳	
-	-	-	-	-	-	×	۱۶۱	۵	شهید چمران	۴	
-	-	-	-	-	-	×	-	-	گیلان	۵	
-	-	-	-	-	-	×	-	-	صنعتی اصفهان	۶	
-	×	×	-	-	-	×	۴۳۴	۲۲	شیراز	۷	
×	×	×	-	-	-	×	۴۴۳	۵	هرمزگان	۸	
×	×	-	-	-	-	×	۹۱۶	۱۰	کاشان	۹	
-	-	-	-	-	-	×	-	۵	بوعلی سینا	۱۰	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	شاهرود	۱۱	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	اراک	۱۲	
-	-	-	-	-	-	-	۲۹۱	۱۲	مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان	۱۳	
-	-	-	-	-	-	×	۷۷۰	۹	سیستان و بلوچستان	۱۴	
-	-	-	-	-	-	×	-	-	ایلام	۱۵	
-	-	-	-	-	-	×	-	-	علامه طباطبائی	۱۶	

ادامه جدول ۱- وضعیت آموزشهای کوتاه مدت در دانشگاه‌های کشور در سالهای تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تا ۷۱-۱۳۷۰

ردیف	دانشگاه	تعداد دوره	تعداد افراد آموزش دیده	علوم انسانی	گروه آموزشی					فعال در زمینه دوره‌های معادل	مبتضی		
					علوم پایه	فنی مهندسی	کشاورزی و دامپزشکی	پزشکی	هنر		سازمانها و ادارات دولتی	شرکتها و تولیدی دولتی	سازمانها و شرکتهای غیردولتی
۱۷	فردوسی	۲	۶۹	۲	-	-	-	-	-	×	-	-	-
۱۸	پیرچند	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۹	ارومیه	۱	۳۳	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۰	رازی	-	-	-	-	-	-	-	×	-	-	-	-
۲۱	شهرکرد	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۲	کردستان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۳	صنعتی شریف	-	-	-	-	-	-	-	×	-	-	-	-
۲۴	دانشکده علوم پایه (دامغان)	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵	هنر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۶	سمنان	۱۲	۱۸۶	-	۱۲	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۷	زنجان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۸	بین‌المللی امام خمینی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۹	یزد	۱۲	۲۸۲	۲	۱	-	۳	-	-	×	-	-	-
۳۰	اصفهان	۹	۳۷۹	-	۹	-	-	-	×	-	-	-	-
۳۱	ولی عصر رفسنجان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳	جمع	۱۰۷	۳۲۶۲	۱۸	۱۴	۵۴	۹	۶	۳	-	۱۳	۷	۴



داشت. در هر صورت، در جهت تکمیل یافته‌های تحقیق، مصاحبه‌هایی حضوری با مسئولان آموزش عالی آزاد برخی دانشگاه‌های معتبر و با سابقه (دانشگاه تهران، علامه طباطبایی، صنعتی امیرکبیر و صنعتی شریف) پیرامون موانع و مشکلات و نیز راه‌های گسترش آموزش‌های عالی کوتاه مدت انجام دادیم که چکیده‌ای از نظرها و پیشنهادهای آنان را در زیر می‌آوریم:

- به نفع کارایی کل جامعه است که راهکاری وجود داشته باشد تا افرادی که تحصیلات رسمی را پشت سر گذاشته‌اند و، پس از مدتی اشتغال به کار، با مشکلات و نیازهای کار در عمل مواجه شده‌اند، بتوانند دوباره به دانشگاه بیایند و مرتبط با رشته شغلی‌شان به افزایش مهارت‌ها و سطح تخصص خود بپردازند و بازدهی شغلی خود را افزایش دهند.
- در وزارت علوم، بر روی بسیاری از مسائل، کار کارشناسی دقیقی انجام نمی‌شود و به خاطر مشکلات و جوی که پیش می‌آید و اعتراضهایی که بروز می‌کند، وزارت علوم بلافاصله تغییر موضوع می‌دهد و عقب‌نشینی می‌کند.
- طی چند سال اجرای آموزش‌های آزاد، هیچگاه سمیناری در این زمینه برگزار نشد تا مسئولان آموزش‌های آزاد دانشگاه‌ها بتوانند نظریات خود را بیان کنند.
- حتماً لازم است که وزارت علوم و دانشگاه‌ها ضوابطی را بر روی تضمین کیفیت آموزش‌های آزاد در نظر بگیرند.
- وزارت علوم، از تجارب و اندیشه شورای آموزش دانشگاه‌ها استفاده و با آنها مشورت کند.
- بهتر است با کمک سازمان اداری و استخدامی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) تدبیری اندیشیده شود تا گواهینامه‌های آموزش عالی کوتاه مدت

- نیز به نحوی ارزش استخدامی داشته باشند و یا اینکه در ارتقای شغلی افراد مؤثر باشند.
- ورود به دوره‌های آموزشهای عالی آزاد باید حتی الامکان راحت باشد و شروط ورود به حداقل برسد. در عوض، در اجرای دوره، به خاطر تضمین کیفیت، سخت گرفته شود (برعکس کنکور و دوره‌های رسمی).
  - اینگونه طرحها که درمورد آموزش آزاد انجام می‌شوند در صورتی مایه امیدواری است که واقعاً به نتایج آن عمل شود؛ والا از این کاغذبازی‌ها زیاد صورت گرفته ولی به جایی نرسیده است.
  - به طور کلی، آیین‌نامه‌های آموزش آزاد شفاف نیستند و تفاسیر متعددی از آنها می‌شود و مدیران مختلف برداشتهای مختلفی از آن دارند.
  - آیین‌نامه‌ها خیلی خام‌اند و معلوم است که کار کارشناسی دقیقی بر روی آنها انجام نگرفته است.
  - ما دوره‌های آموزش آزاد را حتی از دوره‌های رسمی هم مشکل‌تر می‌گیریم و این گفته که سطح کیفیت دوره‌های آموزشهای عالی آزاد پایین است، سخن صحیحی نیست.
  - دانشجویان رسمی و روزانه نسبت به دوره‌های آزاد حساس هستند و انگار فضای ذهنی آنها نمی‌پذیرد که عده‌ای پول بدهند و در کنار دانشجویان عادی درس بخوانند (به نظر می‌رسد که، به دلیل گسترش دوره‌های شبانه در دانشگاه‌های دولتی، این مسأله عادی شده است و حساسیت سابق راندارد).
  - برخی از اعضای هیأت علمی (بخصوص قدیمی‌ها) با این دوره‌ها مخالفند چون فکر می‌کنند کیفیت این دوره‌ها کم است. برخی دیگر از اعضای هیأت

علمی از تدریس در این دوره‌ها استقبال نمی‌کنند، چون کار و زحمت بیشتری برای آنها دارند.

- مشکل دیگر این است که جامعه و به خصوص بخش صنعت با اهمیت این دوره‌ها آشنا نیستند.

- در برخی موارد، برگزاری این دوره‌ها برای جذب پروژه‌ها و امکانات و کمک به اعضای هیأت علمی مؤثر بوده است.

- برخی از متقاضیان، خواهان تحصیل در رشته‌های تلفیقی و بین رشته‌ای شده‌اند که توانایی آن در دوره‌های آموزش آزاد وجود دارد نه دوره‌های رسمی.

- برگزاری این دوره‌ها، به جهت اینکه حیطة کاری جدیدی در دانشگاه‌ها باز می‌کند، از خروج اعضای هیأت علمی از دانشگاه و پرداختن آنها به کارهای متفرقه جلوگیری می‌کند.

- باید به دانشگاه‌ها اجازه داده شود که خودشان یک دانشکده غیرانتفاعی مربوط به این رشته‌ها دایر کنند و بتوانند، علاوه بر ظرفیت رسمی، آزمون ورودی مخصوص به خود برای دوره‌های آموزش آزاد داشته باشند؛ به شرط آنکه کیفیت علمی این دوره‌ها به انحاء مختلف حفظ شود.

## ۵- آموزش عالی آزاد و تجربه دانشگاه‌ها و کشورهای خارجی

نکته‌ای که در طی انجام این طرح یافتیم آن بود که تقریباً هیچ یک از مسؤولان ستادی و اجرایی آموزشهای عالی آزاد در کشور از چند و چون برگزاری این دوره‌ها در خارج از کشور اطلاع ندارند. به عبارت دیگر، آموزشهای آزاد در ایران از لحاظ اجرایی از تجربه دیگر دانشگاه‌ها و کشورها غافل و محروم بود و،

بنابراین، نمی‌توانست چشم‌اندازهای گسترده‌ای را مقابل خود تصور کند. برای اینکه این ضعف تا حدودی برطرف شود، پاره‌ای از این طرح به بررسی تجارب دیگر کشورها در زمینه آموزشهای عالی آزاد اختصاص یافت. برای این امر، با ۲۲ دانشگاه از قاره‌های مختلف جهان (اروپا، آمریکا، آسیا و اقیانوسیه) از طریق شبکه اینترنت و پست الکترونیکی تماس گرفتیم و از آنها خواستیم تا تجارب خود در مورد برگزاری آموزشهای عالی غیررسمی و کوتاه مدت و نیز رشته‌هایی را که در چارچوب آموزشهای آزاد ارائه می‌دهند به ما اعلام کنند. از میان این ۲۲ دانشگاه، ۷ دانشگاه برای درخواست ما پاسخ ارسال کردند و از میان این ۷ پاسخ، ۳ پاسخ مثبت بود و از ما خواستند تا نشانی پستی خود را برای آنها بفرستیم تا اطلاعاتی را در این زمینه برای ما ارسال کنند. این سه دانشگاه عبارت بودند از: مؤسسه سلطنتی تکنولوژی ملبورن<sup>۴</sup>، دانشگاه یورک<sup>۵</sup> و دانشگاه بیرمنگام<sup>۶</sup> انگلستان.

دانشگاه آ.رام.آی.تی<sup>۷</sup> یکی از دانشگاه‌های معتبر استرالیاست که در زمینه ارائه آموزشهای عالی آزاد بسیار فعال است، به طوری که برای هر نیمسال تحصیلی، کتاب راهنمایی منتشر می‌کند که در آن، ضمن معرفی مختصری از رشته‌ها، موضوع و محتویات درسی آنها، به محل تشکیل کلاسها، تعداد جلسات، ساعات تشکیل کلاسها و نیز هزینه این دوره‌ها اشاره می‌شود و این کتاب به قدری دقیق و مفصل نوشته شده است که گمان می‌کنم دانشگاه‌های کشور حتی برای

4. Royal Melbourne Institute of Technology (RMIT)

5. University of York

6. University of Birmingham

7. RMIT

رشته‌های رسمی خود نیز چنین کتابی منتشر نکرده‌اند. اولین صفحه این کتاب راهنما با یک تبلیغ و آگهی شروع می‌شود که در آن به متقاضیان تحصیل در رشته‌های کوتاه مدت وعده داده‌است که مهدکودک دانشگاه آماده است تا، برای راحتی در تحصیل این رشته‌ها، کودکان متقاضیان را (البته با هزینه‌ای که مشخص شده است) نگهداری کند. همچنین در نامه‌ای که به ضمیمه این کتاب از سوی دانشگاه مزبور برای من ارسال شد آمده بود که، علاوه بر خدمات آموزشی که در این کتاب بدانها اشاره شده است، دانشگاه آماده است که در هر زمینه‌ای انواع مشاوره را به متقاضیان ارائه دهد. جالب این است که خدمات مشاوره‌ای را، حتی به صورت تلفنی، می‌توان سفارش داد. به این ترتیب، متوجه می‌شوید که این دانشگاه هیچ امکانی را برای افزایش مشتری از دست نمی‌دهد و از آموزش طراحی دکوراسیون آشپزخانه گرفته تا امور مخابرات و ارتباطات را جزو خدمات آموزشی دوره‌های کوتاه مدت خود قرار داده است. شعار بخش آموزشهای کوتاه مدت دانشگاه آرام. آی. تی این است: «آینده شما از اینجا شروع می‌شود». این دانشگاه نزدیک به ۶۵۰ رشته در دوره‌های کوتاه مدت و افزون بر ۴۰۰ دوره در قالب آموزشهای تکدرس ارائه می‌دهد (دوره‌های تکدرس، معمولاً قسمتی از برنامه‌های رسمی آموزشی (فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس) است که جنبه تقویتی یا تکمیلی دارد؛ مثل «تجارت بین‌الملل» که یکی از دروس رشته کارشناسی اقتصاد است). همچنین انتخابهای وسیع و متنوعی را پیش روی متقاضیان قرار می‌دهد؛ مثلاً دوره‌ای با عنوان «نویسندگی خلاق و حرفه‌ای» در ۱۵ رشته مختلف از جمله نویسندگی سریال، نوشتن برای مجله، نوشتن اسناد اقتصادی و ... در جلسات یک روزه تا ۱۶ روزه و با شهریه‌هایی بین ۹۵ تا ۵۲۵ دلار استرالیا، ارائه می‌دهد. افزون بر این، از دوره‌هایی چون «طراحی با کاغذ»،

«خوشنویسی»، «کنترل برخوردهای اجتماعی»، «عکاسی»، «موسیقی» گرفته تا دوره‌های تخصصی‌تری مثل «الکترونیک»، «کنترل فرایند و اتوماسیون» و دانش تولید پارچه با زمان‌بندی‌ها و شهریه‌های مختلف در آن برگزار می‌شود (RMIT University, 2000).

جالب است که در اغلب این دوره‌ها شرط ورودی خاصی وجود ندارد و، پس از پایان دوره (کوتاه مدت یا تک‌درس)، گواهینامه‌ای که تأیید کننده گذراندن دوره توسط متقاضی است، به وی اعطا می‌شود. در هر صورت، کاملاً مشهود است که در این دانشگاه همه گونه تسهیلات ورود به این دوره‌ها برای متقاضیان در نظر گرفته شده‌اند و دانشگاه به مثابه یک بنگاه اقتصادی، که باید قادر باشد نیازهای مالی خود را تأمین کند، عمل می‌نماید. تنوع و گستردگی دوره‌های آموزش عالی آزاد که این دانشگاه ارائه می‌دهد، به قدری است که نیازهای مهارتی و تخصصی آحاد جامعه را پاسخ می‌گوید و مردم نیز از آن سود می‌برند.

دانشگاه یورک انگلستان نیز در این طرح با ما همکاری کرد. این دانشگاه در رشته‌های مختلفی دوره‌های غیررسمی دانشگاهی برگزار می‌کند و به دانشجویانی که این دوره‌ها را پشت سر بگذارند، گواهینامه یا دیپلم اعطا می‌کند. ارزش مدرک دیپلم بیشتر از گواهینامه و نشان دهنده سطح بالاتری از مهارت در فرد است. این مدارک، گرچه غیررسمی هستند اما در انگلستان، برخلاف کشورما، که در آن رسمی برای استخدام بها داده می‌شود، برای استخدام و کاریابی معتبر و مورد توجه‌اند. برخی از دوره‌هایی که در این دانشگاه به گواهینامه یا دیپلم ختم می‌شوند عبارتند از: مهارتهای تدریس فشارهای روانی و مدیریت، مهارتهای آشنایی با دیگران، مطالعات قرون وسطی، مدیریت خدمات بهداشتی، موسیقی درمانی، مدیریت فرودگاه و ... چنانکه پیداست برخی از این دوره‌ها در سطوح



در نظامهای آموزش عالی کشورهای جهان به انحای گوناگون به آموزش عالی غیررسمی توجه می‌شود. مثلاً در اردن، رشته‌هایی از جمله کامپیوتر، کشاورزی، تایپ و زبانهای خارجی در قالب آموزشهای آزاد ارائه می‌شود که طول مدت این دوره‌ها بین یک هفته تا چهارماه است و، در پایان دوره، به دانشجویان گواهینامه موفقیت در کلاسها اعطا می‌شود. در هلند، برخی دوره‌های آموزش آزاد به صورت مکاتبه‌ای و آموزش از راه دور ارائه می‌گردد. در ونزوئلا، دوره‌هایی تحت عنوان «آموزش در طول زندگی»<sup>۹</sup> برگزار می‌شوند که حتی رشته‌های هنری و ورزشی را در برمی‌گیرند. در لیتوانی، علاوه بر دانشگاه‌های این کشور که بخشهای مخصوصی برای آموزش بزرگسالان در رشته‌های مختلف (از جمله زبان، تجارت، کامپیوتر، کتابداری، رانندگی، خیاطی و منشی‌گری) دارند، وزارت فرهنگ و آموزش، برای تقریباً ۹۰ مؤسسه، پروانه کار صادر کرده است تا آنها بتوانند به اجرای دوره‌های غیررسمی بپردازند. همچنین، در این کشور، حدود ۷۰۰ شرکت تولیدی با اجازه وزارت اقتصاد برای آموزش یا بازآموزی متقاضیان وجود دارند. در روسیه سفید، آموزشهای غیررسمی در دوره‌های متنوع و گوناگونی، با طول دوره‌ای بین ۳ تا ۱۲ ماه، عرضه می‌شوند از آن جمله‌اند دوره‌های صنایع دستی، تأثیر مردمی، رقص، نقاشی، بازاریابی و ... در ژاپن، دولت به شرکتهای تولیدی که اقدام به آموزش کارکنان خود کنند، یک سوم هزینه آموزشها را به عنوان یارانه می‌پردازد (UNESCO, 1996). چنانکه پیداست تنوع رشته‌های آموزش عالی آزاد در کشورهای مختلف به قدری است که از دوره‌های تفریحی و سرگرمی گرفته تا موضوعات سطح بالای تکنیکی و تخصصی را در برمی‌گیرد.



## ۶- بازاریابی آموزش عالی آزاد

علاوه بردانش‌آموختگان دانشگاهی، که نیاز به بازیافت آموخته‌های از یاد رفته خود و یا افزایش مهارت‌های شغلی دارند، آموزش‌های عالی آزاد مشتریان متعدد دیگری هم دارند. افرادی که به تازگی از دبیرستان فارغ‌التحصیلان شده‌اند و موفق به قبولی در دانشگاه و در دوره‌های رسمی دانشگاهی نشده‌اند و به دنبال کسب مهارت برای شغلیابی هستند؛ افرادی که علاقه‌مندند یا مجبور شده‌اند که شغل‌شان را تغییر دهند و به دنبال ارتقای دانش و روزآمد کردن مهارت‌های خود هستند؛ کسانی که خود را برای دوران کاری پس از بازنشستگی آماده می‌کنند، و نیز همه کسانی که تنها شوق دانشگاه و کسب علوم و مهارت‌های گوناگون دارند، می‌توانند متقاضیان بالقوه آموزش عالی آزاد باشند. طبیعتاً چنین جامعه فراگیری از متقاضیان می‌تواند دانشگاه‌ها را تشویق کند تا رشته‌ها و دوره‌ها و کلاس‌های بسیار متنوعی برای پاسخگویی به این تقاضاها دایر کنند. شرط موفقیت دانشگاه برای جذب این تقاضاها، بازاریابی کارآمد از طریق تحقیق و کسب اطلاعات جامع در مورد انواع فعالیتهای صنایع تولیدی و واحدهای تجاری - خدماتی است به طوری که با تشخیص نیازهای آموزشی کارکنان این شرکتها و نیز تشخیص وسعت بازار و نیازهای مهارتی نسل جوان و جویای کار، بتوان دوره‌هایی مرتبط را طراحی و برگزار کرد.

در برخی از دانشگاه‌های کشورهای اروپایی، الگویی که برای فروش خدمات آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد این است که چنانچه دوره‌های موردنظر یک صنعت یا شرکت در دوره‌های رسمی و ذرحال اجرای دانشگاه وجود داشته باشد شرکت مزبور، کارکنان خود را برای طی دوره به دانشگاه می‌فرستد. هنگامی که شرکت به آموزش خاصی نیاز داشته باشد که در دانشگاه موجود نیست، متقاضی

شرایط خود را، اعم از محتوای برنامه آموزشی، طول دوره و تاریخ آغاز آن، به دانشگاه اعلام می‌کند. همچنین برای ارزیابی دوره‌ها از روش‌های مختلفی چون ارسال مراسلات پستی، تبلیغ از طریق رسانه‌های عمومی و پیگیریهای تلفنی و - از همه مهمتر - ایجاد شبکه خاصی از ارتباطات و مذاکرات در سطح رؤسای دانشگاه‌ها با رؤسای صنایع و بنگاه‌ها (که مؤثرترین راه است) استفاده شده است. انعطاف‌پذیری در تطبیق محتوای برنامه‌های آموزشی با نیازهای مشتریان و واکنش سریع به تقاضاهای آنها و از همه مهمتر کیفیت بالای آموزشها از رموز موفقیت دانشگاه‌هایی هستند که می‌خواهند در زمینه ارائه آموزشهای عالی آزاد موفق باشند. مدیریت اجرایی و مالی دوره‌ها نیز مسلماً کمک شایانی به توسعه این آموزشها می‌کند.

## ۷- نتیجه‌گیری

در ایران، عملاً چیزی به نام آموزش عالی آزاد وجود ندارد. به دلیل وابستگی شدید دانشگاه‌های دولتی به منابع بودجه عمومی، که آن هم از درآمدهای نفتی حاصل می‌شود، دانشگاه‌ها در زمینه ابداع روشها متنوع تأمین منابع مالی (با حفظ رسالتهای اصلی دانشگاهی) بسیار ضعیف عمل کرده‌اند و آنچه که دانشگاه‌ها در قالب دوره‌های غیررسمی ارائه داده‌اند بیشتر به دوره‌های معادل مربوط می‌شوند که کاری سهل و آسان است، زیرا معادل همان برنامه‌های آموزشی دوره‌های رسمی را انجام داده‌اند و تلاشی در جهت طراحی دوره‌های آموزش عالی آزاد (کوتاه مدت و تکدرس) به خرج نداده‌اند.

خواننده‌ای که، با دقت، موضوعات این مقاله را دنبال کرده حتماً دریافته است که لزوم ایجاد و گسترش آموزش عالی آزاد در دانشگاه‌های ایران امری بدیهی

است و با منافع متعددی که این آموزش نصیب دانشگاه، بازارکار، اقتصاد و فرهنگ جامعه می‌کند دیگر دلیلی برای کم توجهی به آن وجود ندارد. اما به رغم این منافع، چرا آموزش عالی آزاد مطرود و منزوی است؟ احتمالاً مورد بسیار مهم دیگری را در حوزه‌های دیگر کشور می‌توان مثال آورد که مصداق جمله بالاست؛ مثلاً چرا، در ایران، بازار کالا که وجود آن در کنار بازار سرمایه لازم است، هنوز شکل نگرفته است؟ یا اینکه به رغم آنکه بسیاری از صاحب‌نظران متفق‌القولند که نظام پیچیده بوروکراسی در کشور مانعی برای توسعه و پیشرفت است و روال بسیاری از فعالیتها را کند می‌کند، تلاش در جهت کاهش دیوان‌سالاری انجام نگرفته است؟

در مورد موانع گسترش آموزش عالی آزاد در دانشگاه‌های ایران، علاوه بر اقتصاد نفتی و اتکای دانشگاه‌ها به بودجه عمومی که برشمرده شد، می‌توان به عدم آگاهی دانشگاه‌ها، شرکتهای تولیدی و آحاد مردم از فایده‌ها و منافع این دوره‌ها اشاره کرد که از فعال شدن این دوره‌ها جلوگیری کرده است. به عبارت دیگر، نه فقط طرف عرضه این دوره‌ها (دانشگاه‌ها) بلکه طرف تقاضا (بنگاه‌های اقتصادی و فرد) نیز باید اطلاعات و آگاهیهای بیشتری از آموزش عالی آزاد کسب کند.

## ۸- پیشنهادها

- برگزاری جلسات سالانه بین مسؤولان آموزش عالی دانشگاه‌ها و مسؤولان دفتر آموزشهای آزاد وزارت علوم، برای تبادل نظر درباره کم و کیف و موانع گسترش آموزشهای آزاد؛

- برگزاری سمینارها و همایشهای علمی به منظور بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر آموزش عالی آزاد و تبادل نظر کارشناسان و صاحب‌نظران این دوره‌ها؛
- افزایش اختیارات علمی «دفتر آموزشهای آزاد» وزارت علوم؛ تا این دفتر، علاوه بر انجام کارهای اداری و دفتری، بتواند نظام ارتباطی منسجمی بین دانشگاه‌ها و متقاضیان آموزش عالی آزاد برقرار کند و ایجاد واحدهای کارشناسی، دانشگاه‌ها را در جهت طراحی برنامه‌های آموزش عالی آزاد جدید یاری نماید.
- دانشگاه‌های مختلف موظف شوند که، بسته به سابقه و تجربه خود، درصدی (بین ۳ تا ۱۰ درصد) از کل ظرفیت دانشجویان دوره‌های رسمی را نیز به جذب دانشجو در دوره‌های آموزشهای عالی آزاد اختصاص دهند؛
- از طریق رایزنی و مشورت با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، راهکارهایی تدوین شود تا گواهینامه‌هایی که به دانشجویان دوره‌های آموزش عالی آزاد اعطا می‌شود، ارزش استخدامی داشته باشند یا، دست کم، دارندگان این گواهینامه‌ها به نوعی در اولویت استخدام (در مؤسسات خصوصی و دولتی و عمومی) قرار گیرند؛
- تشویق استادان دانشگاه به طوری که در جهت تعریف و طراحی دوره‌های جدید آموزشهای عالی آزاد پیشقدم شوند (از آن جمله است ایجاد انگیزه‌های مادی و یا ارتقای شغلی برای استادانی که بتوانند پیشنهادی برای دوره‌های جدید آموزش عالی آزاد ارائه دهند.)؛

- فعال شدن دانشگاه‌ها به عنوان بنگاه‌های شبه اقتصادی برای بازاریابی گسترده‌تر برای دوره‌های آموزش آزاد (مثلاً، تبلیغ دوره‌های ارائه شده از طریق رسانه‌های جمعی)؛
- توجه به کیفیت دوره‌ها و امتحانات پایان دوره با نظارت دفتر آموزشهای آزاد؛
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دست‌اندرکاران آموزش عالی آزاد توسط دفتر آموزشهای آزاد؛
- تشخیص دانشگاه‌های معتبر و با سابقه در سطح جهان، که در زمینه آموزشهای عالی آزاد فعالند، و برقراری ارتباط نزدیک با آنها جهت استفاده از تجارب آنها.

### یادداشتها

[۱]. آموزش عالی آزاد، آن دسته از آموزشهای غیررسمی است که با استفاده از امکانات دانشگاه صورت می‌پذیرد، اما منجر به اخذ مدارک رسمی (فوق‌دیپلم، لیسانس) از دانشگاه نمی‌شود، بلکه در پایان دوره گواهینامه‌ای مبنی بر حضور در این دوره‌ها به داوطلبان اعطا می‌شود و شامل عنوانهایی همچون دوره‌های کوتاه مدت، دوره‌های کاربردی، آموزش تک‌درس، آموزش ضمن خدمت کارکنان، آموزش در طول زندگی، آموزش مستمر و نظایر آن است.

## فهرست منابع

### الف ( فارسی

۱. کلارک، برتون آر و نیو، گی. آر، (۱۳۷۶)؛ گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲. کلارک، برتون آر و نیو، گی. آر، (۱۳۷۸)؛ گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۳. قارون، معصومه، (۱۳۷۵)؛ بررسی راه‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۴. مرکز آمار ایران، (۱۳۷۷)؛ سالنامه آماری کشور؛ تهران.
۵. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ (۱۳۷۲)؛ مجموعه قوانین آموزش عالی؛ تهران.

### ب ( لاتین

1. KING, KENETH, (1982); "Formal, Nonformal and Informal Learning: Some North - South Contrasts"; **International Review of Education** - vol 28.
2. MARK, HANS, (1994); "What,s Liberal Education"; **New Directions for Higher Education**, No.85.
3. WILDER. NANCY ELIZABETH, (1993); "Continuing Education Relationships Between University and Business"; **Continuing Higher Education Review**, Vol.57.
4. RMIT University, (2000); **Short Courses and Single Subject in RMIT UNIVERSITY**.
5. The University of York, (2000); **Graduate Prospectus**.
6. The University of Birmingham, (2000); **Postgraduate Prospectus**.
7. UNESCO Publishing (1996); **World guide to higher education**.